

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٣٢٩١



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ (گرایش ایران اسلامی)

« باورها و نگرش ایرانیان پیرامون تقابل طب سنتی با
طب جدید در عصر ناصری و مظفری »

توسط:

زینب رنجبران

استاد راهنما:

دکتر عزت الله نوذری

کتابخانه اطلاعیه مرکز علمی پژوهش
تیمسار

۱۳۸۸ / ۴ / ۲۲

بهمن ماه ۱۳۸۷

۷۶۹۸
۱۰۳۶۹۸

به نام خدا

اظہار نامہ

اینجانب زینب رنجبران (۸۵۰۲۲۵) دانشجوی رشته‌ی تاریخ ایران اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی اظہار می‌کنم که این پایان نامہ حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفادہ کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظہار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان نامہ ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آیین نامہ مالکیت فکری و معنوی متعلق بہ دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: زینب رنجبران

تاریخ و امضا:

۱۳۸۴/۴/۲۲

به نام خدا

باورها و نگرش ایرانیان پیرامون تقابل طب سنتی با طب جدید در عصر ناصری و مظفری

به وسیله:

زینب رنجبران

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای
تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

تاریخ

از دانشگاه شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه ۲
دکتر عزت الله نودری، دانشیار بخش تاریخ (رئیس کمیته)
دکتر سید ابوالقاسم فروزانی، استادیار بخش تاریخ
دکتر حسین پوراحمدی، استادیار بخش تاریخ

بهمن ماه ۱۳۸۷

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

که هستی ام با آن ها معنا می یابد....

سپاسگزاری

حمد و سپاس خداوند متعال را که نعمت وجود را در قالب انسانی مختار بر من ارزانی داشت به مصداق لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق بر خود لازم می‌دانم از زحمات و الطاف بی‌دریغ جناب آقای دکتر عزت الله نودری که نه تنها در انجام این پژوهش بلکه در تمام دوران کارشناسی ارشد، همیشه با رویی گشاده پذیرای اینجانب بودند، و تمام دانش و تجربیات گهربار خود را در اختیار من قرار دادند کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورم.

همچنین از همکاری و مساعدت‌های اساتید ارجمندم دکتر سید ابوالقاسم فروزانی و دکتر حسین پوراحمدی، مشاوران محترم این پژوهش نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم و از خداوند متعال آرزوی موفقیت و بهروزی برای ایشان دارم.

در ضمن از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر غلامرضا وطن دوست و دکتر مصطفی ندیم، که در انجام این پژوهش مرا یاری نمودند، کمال تشکر را دارم.

از استاد گرامی سرکار خانم دکتر کتایون نمیرانیان که قبول زحمت کرده و در جلسه دفاعیه این جانب به عنوان نماینده تحصیلات تکمیلی حضور به هم رسانیدند نیز تشکر می‌نمایم.

در پایان آرزوی موفقیت روز افزون اساتید گرامی، مسئولان محترم بخش تاریخ و تمامی دوستان را از خداوند متان خواستارم.

چکیده

باورها و نگرش ایرانیان پیرامون تقابل طب سنتی با طب جدید در عصر ناصری و مظفری

به وسیله‌ی

زینب رنجبران

شیوه غالب طبابت در جامعه عصر قاجار، طب سنتی یا طب قدیم بود. این شیوه ی پزشکی، با آن همه سابقه درخشان در گذشته و پزشکان برجسته ای چون ابو علی سینا، زکریای رازی و ... در این دوران، به دلیل عوام زده شدن، آمیخته شدن با پاره ای باورهای موهوم و خرافی، پایین بودن سطح دانش طبیبان ایرانی، عدم تلاش آنان برای پیشرفت این شیوه طبابت و هم چنین سوء استفاده های آنان در جهت حفظ منافع و اعتبار خود، دچار رکود شده بود؛ با این وجود هیچ گاه از اهمیت آن نزد مردم کاسته نشد. علاوه بر این، وضعیت نامناسب بهداشتی جامعه و عدم توجه مردم به رعایت اصول بهداشتی که منجر به شیوع بیماری های خطرناک در میان آنان می گشت، همراه با نابسامانی طبابت در ایران و عدم توانایی طبیبان ایرانی در درمان مردم، روزانه عده ی بسیاری از افراد، به ویژه کودکان را به کام مرگ می کشاند.

در چنین شرایطی، ورود طب جدید به ایران، از دوران فتحعلی شاه و ولیعهد وی عباس میرزا، را می توان سرآغاز مرحله ای نوین در تاریخ طبابت ایران به حساب آورد. در این زمان، در میان هیئت های اروپایی که به ایران می آمدند، پزشکانی بودند که بعضی از آن ها سال ها در این کشور اقامت کردند و شیوه های نوین پزشکی چون آبله کوبی، قرنطینه و ... را رواج دادند. با گسترش طب جدید در دروان ناصری و مظفری، به تدریج طب سنتی در تقابل با طب جدید قرار گرفت؛ به طوری که منجر به واکنش بسیاری از مردم سنت گرا گردید. مهم ترین دلیل این واکنش ها، اعتقاد مردم به کافر بودن پزشکان خارجی، ترس از برافتادن اسلام و نفوذ استعمار در کشور، تصور آن ها درباره مغایرت برخی از اصول علم پزشکی نوین با احکام اسلامی مانند تشریح جسد انسان و همین طور پایبندی آنان به طب سنتی بود. هم زمان با مخالفت مردم سنت گرا، دسته ای دیگر از افراد جامعه که می توان آنان را افراد آگاه نامید، تلاش نمودند تا مردم را با مزایای طب جدید و رعایت اصول بهداشتی آشنا نمایند؛ در این میان تبلیغات روزنامه ها نیز بی تاثیر نبود؛ به طوری که پس از مدتی مردم به فواید خدمات طب جدید و اصول بهداشتی پی بردند و از این زمان نوعی سازگاری میان طب قدیم و طب جدید به وجود آمد و طب نوین، در جامعه ایران، پذیرفته شد؛ با این وجود طب سنتی هیچ گاه جایگاه خود را در میان مردم از دست نداد و این به دلیل ارزشمندی و اهمیت شیوه های درمانی طب قدیم می باشد؛ به طوری که بسیاری از روش های درمان سنتی هم چون داروهای گیاهی و ... که اگر به درستی به کار می رفتند، در درمان بیماری ها بسیار موثر بودند، مورد توجه طب جدید قرار گرفتند و تا به امروز نیز ارزش خود را حفظ کرده اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : کلیات
۱-۱-۱.....	۱-۱- طرح موضوع یا مسأله تحقیق.....
۲.....	۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۲.....	۱-۳- هدف تحقیق.....
۳.....	۱-۴- پیشینه تحقیق.....
۴.....	۱-۵- روش تحقیق.....
۴.....	۱-۶- سوالات تحقیق.....
۵.....	۱-۷- فرضیه تحقیق.....
۵.....	۱-۸- گفتارهای پایان نامه.....
	فصل دوم: نقد و بررسی منابع
۶.....	۲-۱- منابع دسته اول.....
۷.....	۲-۱-۱- سفرنامه ها.....
۹.....	۲-۱-۲- کتاب های خاطرات.....
۱۱.....	۲-۱-۳- منابع جغرافیایی.....
۱۲.....	۲-۱-۴- کتاب های داستانی - تخیلی.....
۱۳.....	۲-۱-۵- تاریخ رسمی.....
۱۳.....	۲-۱-۶- روزنامه ها.....
۱۵.....	۲-۲- منابع جدید یا دست دوم.....
۱۶.....	۲-۲-۱- کتاب های فارسی.....
۱۹.....	۲-۲-۲- کتاب های ترجمه شده به فارسی.....
۲۰.....	۲-۲-۳- کتاب های لاتین.....

فصل سوم- نگرشی بر وضعیت بهداشتی - درمانی جامعه در عصر ناصری و مظفری

۳-۱	وضعیت بهداشت عمومی	۲۱
۳-۱-۱	وضعیت بهداشتی شهرها و روستاها	۲۲
۳-۱-۱-۱	وضعیت بهداشتی مکان های عمومی	۲۲
۳-۱-۱-۲	وضعیت بهداشتی آب آشامیدنی	۳۰
۳-۱-۲	بهداشت فردی	۳۳
۳-۱-۳	بهداشت زنان و کودکان	۳۸
۳-۱-۴	شیوع بیماری ها	۴۳
۳-۲	وضعیت طبابت و شیوه ی درمان بیماری ها	۴۹
۳-۲-۱	چگونگی یادگیری طب قدیم	۵۰
۳-۲-۲	درمان بیماری ها بر اساس طب سنتی	۵۳
۳-۲-۲-۱	امزاج چهارگانه	۵۳
۳-۲-۲-۲	استفاده از داروهای گیاهی و جوشانده ها	۵۴
۳-۲-۲-۳	استفاده از مسهل و تنقیه در درمان بیماری ها	۵۶
۳-۲-۲-۴	حجامت، رگ زدن و زالو اندازی	۵۷
۳-۲-۳	طبیبان سنت گرا و اهمیت آنان نزد مردم	۶۰
۳-۲-۳-۱	حکیم باشی ها و شیوه ی کار آن ها	۶۱
۳-۲-۳-۲	کحال ها	۶۶
۳-۲-۳-۳	جراحان	۶۸
۳-۲-۳-۴	طبیبان یهودی	۷۱
۳-۲-۳-۵	سلمانی ها و دلاکان	۷۳
۳-۲-۳-۶	عطاری ها	۷۵
۳-۲-۳-۷	شکسته بندها	۷۶
۳-۲-۳-۸	زنان درمانگر	۷۷
۳-۳	باورها و نگرش خرافی و مذهبی ایرانیان پیرامون بیماری ها و شیوه ی درمان آن ها	۷۹
۳-۳-۱	باورهای مذهبی پیرامون بیماری ها	۷۹

۳-۳-۱-۱ استخاره کردن به هنگام بیماری ها	۸۰
۳-۱-۲ اعتقاد به نیروی امامان و امام زادگان و سایر افراد و اماکن مقدس در شفای بیماران	۸۱
۳-۳-۱-۳ دعا و دعا نویسی	۸۶
۳-۳-۲ باورهای خرافی پیرامون بیماری ها	۸۸
۳-۳-۲-۱ اعتقاد به طلسم و جادو	۸۸
۳-۳-۲-۲ چشم زخم	۹۰
۳-۳-۲-۳ اعتقاد به نیروی شفا بخشی برخی اجسام و مواد	۹۲
۳-۳-۳ باورهای خرافی پیرامون چگونگی درمان برخی از بیماری ها	۹۴

فصل چهارم : ورود طب جدید به ایران و واکنش های اجتماعی نسبت به آن

۴-۱ خدمات طب جدید به جامعه	۹۷
۴-۱-۱ ورود طب جدید به ایران	۹۷
۴-۱-۲ آثار و نتایج ورود طب جدید به ایران	۹۸
۴-۱-۲-۱ افزایش سطح بهداشت عمومی	۹۸
۴-۱-۳ اقدامات پزشکان اروپایی در رواج طب جدید و خدمات آنان به جامعه	۱۱۴
۴-۱-۳-۱ رواج داروسازی در ایران	۱۱۴
۴-۱-۳-۲ تاسیس داروخانه ها به سبک جدید	۱۱۵
۴-۱-۳-۳ تاسیس بیمارستان و درمانگاه توسط طبیبان خارجی	۱۱۶
۴-۱-۳-۴ تاسیس مدارس طبی و شوراهای بهداشتی توسط پزشکان خارجی	۱۱۸
۴-۱-۳-۵ خدمات پزشکان اروپایی در زمینه ی جراحی ، تشریح و چشم پزشکی	۱۲۱
۴-۲ نگرش مردم سنت گرا نسبت به طب جدید	۱۲۶
۴-۲-۱ واکنش عوام نسبت به تحولات بهداشتی - درمانی جدید و پزشکان خارجی	۱۲۶
۴-۲-۱-۱ واکنش های مثبت عوام نسبت به طب جدید	۱۲۶
۴-۲-۱-۲ واکنش های منفی عوام نسبت به طب جدید	۱۲۸
۴-۲-۲ واکنش علما و روحانیون نسبت به طب جدید و نقش آنان در برانگیختن مردم	۱۴۲
۴-۲-۳ تقابل میان طبیبان ایرانی و پزشکان خارجی	۱۴۵

- ۴-۳ دیدگاه افراد آگاه جامعه پیرامون طبابت نوین و بهداشت ۱۵۲
- ۴-۳-۱ روشنفکران و توجه به بهداشت و طب جدید ۱۵۲
- ۴-۳-۱-۱ وطن گرایی و ملت گرایی، مهم ترین عامل توجه روشنفکران به طب جدید ۱۵۳
- ۴-۳-۱-۲ انتقاد برخی روشنفکران از عدم توجه مردم به علوم جدید و وضعیت بهداشتی-
درمانی جامعه ۱۵۸
- ۴-۳-۲ دیدگاه برخی سیاحان ایرانی پیرامون طب جدید و انتقاد آن ها از وضعیت بهداشتی-
درمانی جامعه ۱۶۲
- ۴-۳-۳ امیرکبیر و تلاش وی جهت گسترش طب جدید و افزایش سطح بهداشتی جامعه ۱۶۹
- ۴-۳-۳-۱ مدرسه ی طب دارالفنون ۱۶۹
- ۴-۳-۳-۲ تصدیق طبابت ۱۷۱
- ۴-۳-۳-۳ تلاش امیرکبیر برای آگاهی مردم از مسائل بهداشتی و بیماری ها ۱۷۲
- ۴-۳-۳-۴ رواج قانون آبله کوبی عمومی ۱۷۳
- ۴-۳-۳-۵ فرستادن پزشکان به نقاط مختلف کشور به منظور خدمت به مردم ۱۷۴
- ۴-۳-۴ انجام برخی اصلاحات توسط ایرانیان آگاه در جهت گسترش طب جدید و افزایش سطح
بهداشتی جامعه ۱۷۴
- ۴-۳-۴-۱ تاسیس بیمارستان و درمانگاه توسط افراد آگاه ۱۷۸
- ۴-۳-۴-۲ تاسیس شوراهای بهداشتی و مدارس طبی توسط ایرانیان آگاه ۱۸۰
- ۴-۳-۴-۳ تاسیس داروخانه ها به سبک جدید توسط ایرانیان آگاه ۱۸۲
- ۴-۳-۴-۴ اقدامات جهت پاکیزگی مکان های عمومی ۱۸۷
- ۴-۴ دیدگاه برخی روزنامه ها در مورد طب جدید و بهداشت ۱۸۷
- ۴-۴-۱ توجه روزنامه ها به علوم جدید و انتقاد از جهالت مردم ۱۸۷
- ۴-۴-۲ اهمیت اصول بهداشتی و طب جدید از دید روزنامه ها و انتقاد آنان از وضعیت نامطلوب
بهداشتی- درمانی جامعه ۱۹۲
- ۴-۴-۲-۱ توجه روزنامه ها به اصول بهداشتی و حفظ الصحه ۱۹۲
- ۴-۴-۲-۲ توجه روزنامه ها به طب جدید و اهمیت اطبای حاذق و تحصیل کرده ۱۹۹
- ۴-۴-۲-۳ تبلیغ برخی خدمات طب جدید در جامعه توسط روزنامه ها و انتقاد آنان از عدم
توجه مردم و دولت در این راستا ۲۰۱

۴-۵ سازگاری میان طب قدیم و طب جدید	۲۰۶
۴-۵-۱ روی آوردن مردم به طب جدید	۲۰۶
۴-۵-۱-۱ اقدامات پزشکان خارجی به منظور جلب مردم	۲۰۷
۴-۵-۱-۲ فواید خدمات طب جدید و افزایش سطح آگاهی مردم در رعایت نکات بهداشتی - درمانی	۲۰۹
۴-۵-۲ جایگاه طب قدیم همزمان با نهادینه شدن طب جدید در جامعه	۲۱۲
۴-۵-۲-۱ سازش میان اطبای قدیم و پزشکان جدید	۲۱۳
۴-۵-۲-۲ تدریس هر دو شیوه ی طبابت قدیم و جدید در مدرسه دارالفنون	۲۱۴
۴-۵-۲-۳ پای بندی به طب قدیم در دوران بعدی با وجود رواج طب جدید	۲۱۶
فصل پنجم: نتیجه گیری	۲۲۰
پیوست ها	۲۲۵
فهرست منابع و مآخذ	۲۳۶

فصل اول

۱- کلیات

۱-۱- طرح موضوع یا مسأله تحقیق

جامعه ی ایران در عصر قاجار، با وجود داشتن فرهنگ و تمدنی قدیمی و درخشان، هم چنان به صورت یک جامعه ی سنتی بود و باورهای فراوان، همراه با تعصب ورزی شدید بر روح و فکر بیشتر افراد جامعه حکم فرمایی داشت. مردم، بسیار پایبند به آداب و رسوم ملی و سنتی بودند و از هرگونه شیوه ی جدید زندگی و تمدن غرب دور مانده بودند. (شمیم، ۱۳۸۳: ۳۷۲)

در این جامعه ی عقب مانده که علی اصغر شمیم آن را جامعه ی قرون وسطایی توصیف می کند، اوضاع بهداشتی و درمانی جامعه نیز بسیار نا بسامان بود و در وضعیت بدی قرار داشت. به نوشته ی علی باقری در کتاب جامعه و حکومت در ایران:

« مردمی که در شهرها زندگی می کردند، با وجود این که احتمال داشت از ثمرات رعایت بهداشت خبر داشته باشند، اما به هر حال خودشان نمی توانستند از حد این اطلاعات تجاوز نمایند. از این رو اکثر مردم، دارای انواع بیماری های آشکار و پنهان بوده و یا در موقع بروز بیماری های مسری و خانمان سوز، همگی دچار مرض و تباهی می گردیدند. خدمات پزشکی و بیمارستان ها، در اکثر شهرها وجود نداشت و اگر هم چیزی بود، بر روال قرن های گذشته و طب قدیم استوار بود و پزشکان از طریق آموزش در نزد پدر یا طبیب های تجربی یا از روی مطالعه ی کتب قدیمه به امر درمان و طبابت اشتغال داشتند ... » (باقری، ۱۳۷۱: ۲۸۵)

با توجه به مطالب فوق، آشکار می گردد که جامعه ی ایران در دوره ی قاجاریه، به ویژه در دوران ناصری و مظفری، از نظر بهداشتی و درمانی بسیار عقب مانده و مبتنی بر عقاید و باورهای سنتی بوده است و بر اساس همین باورها و عقاید، مردم جامعه نسبت به هر چیز جدیدی که به ویژه از غرب وارد ایران می گردید، واکنش نشان می دادند؛ از جمله، از آن جا که در این زمان، شیوه طبابت سنتی در ایران وجود داشت و بسیاری از مردم به آن اعتقاد و باور داشتند، بنابراین با ورود طب جدید به ایران، بسیاری از مردم سنت گرا در مقابل آن ایستادگی کردند و می توان

گفت که نوعی تقابل میان طب قدیم و جدید به وجود آمد، به طوری که تا مدت ها مردم شیوه ی نوین طبابت را نپذیرفتند و حتی آن را مغایر با شرع و باورهای خود می دانستند. علاوه بر مردم سنت گرا، هم زمان با ورود افکار روشنگری و مدرنیته به ایران، تعداد زیادی از افراد آگاه و اصلاح طلب، تلاش نمودند تا شیوه های نوین طبابت را به منظور بهبودی وضعیت بهداشتی و درمانی مردم، در جامعه گسترش دهند. به هر صورت، با گذشت زمان، میان طب قدیم و جدید، سازگاری به وجود آمد و عده ی زیادی از مردم به شیوه های نوین طبابت، با وجود اعتقادی که به طب سنتی داشتند، روی آوردند.

در همین راستا، در طی این تحقیق مواردی از قبیل وضعیت بهداشتی و درمانی جامعه در عصر ناصری و مظفری؛ ورود طب جدید به ایران و واکنش های اجتماعی که در مقابل آن صورت گرفت، از جمله باورها و نگرش مردم سنت گرا نسبت به طب جدید، تقابل میان طبیبان ایرانی و پزشکان اروپایی، دیدگاه افراد آگاه جامعه در مورد بهداشت و روش های جدید طبابت و اقدامات آنان در این زمینه؛ تأثیر طب جدید بر وضعیت بهداشتی و درمانی جامعه و روی آوردن مردم به شیوه های نوین طبابت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق:

در تاریخ اجتماعی ایران، توجه به تاریخ مردم از اهمیت زیادی برخوردار است و متأسفانه در بحث های تاریخی، آن چه بیشتر مورد توجه قرار می گیرد، تاریخ سیاسی است. تحقیق حاضر نوعی تحقیق اجتماعی می باشد و اهمیت آن از این جهت است که یکی از مسائل مهم تاریخ اجتماعی عصر قاجار - دوره ی ناصری و مظفری - یعنی طبابت و وضعیت بهداشتی جامعه را مورد بررسی قرار می دهد.

۳-۱- هدف تحقیق:

با توجه به این که در تاریخ اجتماعی ایران، پرداختن به تاریخ مردم، به عنوان بازیگران اصلی جامعه، از اهمیت فراوانی برخوردار است و وضعیت طبابت و بهداشت در جامعه نیز یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی در عصر قاجار می باشد، بنابراین هدف از این تحقیق بررسی تقابل طب

سنتی با طب جدید از دیدگاه مردم، در عصر ناصری و مظفری است.

۴-۱- پیشینه تحقیق: (مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی)

در مورد طب و طبابت در ایران دوره ی قاجاریه، تاکنون چندین کتاب نوشته شده که بعضی از آن ها توسط نویسندگان ایرانی و برخی نیز توسط نویسندگان خارجی تالیف شده اند. از جمله محسن روستایی کتابی تحت عنوان *تاریخ طب و طبابت در ایران* در دو جلد نوشته است که از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه را بر اساس اسناد موجود، در بر می گیرد.

از کتاب های خارجی که در این مورد نوشته شده و به فارسی نیز ترجمه شده اند، می توان از کتاب *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی*، نوشته ی سیریل الگود نام برد. هم چنین ویلیام فلور کتابی با نام *Public Health in Qajar Iran* نوشته اند که تا کنون به فارسی ترجمه نشده است.

غیر از کتاب هایی که به طور خاص در مورد طبابت دوره ی قاجاریه تالیف شده اند، کتاب هایی نیز در زمینه فرهنگ و رسوم اجتماعی شهر های مختلف ایران نوشته شده اند، مانند *سیمای فرهنگی قزوین از پرویز ورجاوند، آیین ها و باورداشتهای مردم گیل و دیلم اثر محمود پاینده، تهران قدیم حسن بیگی، تهران عصر ناصری اثر ناصر نجمی، تاریخ اجتماعی کاشان نوشته ی ضرابی و ...* که حاوی اطلاعات بسیار ارزشمندی در رابطه با موضوع این تحقیق می باشند.

از کتاب هایی که به طور کلی در مورد تاریخ اجتماعی ایران در دوره ی قاجاریه می باشند، هم چون *جامعه و حکومت در ایران اثر علی باقری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم جعفر شهری* نیز می توان اطلاعات بسیار مفیدی بدست آورد.

به علاوه بعضی از کتاب هایی که در مورد واگذاری امتیازات به بیگانگان در دوره ی ناصرالدین شاه نوشته شده اند مانند *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات اثر ابراهیم تیموری و همچنین کتاب هایی که راجع به امیر کبیر و اقدامات فرهنگی و اجتماعی وی تالیف شده اند مانند امیر کبیر و دارالفنون نوشته ی قدرت ا... روشن زعفرانلو، امیر کبیر و ایران اثر فریدون آدمیت و ...* نیز به مسئله ی واکنش های اجتماعی پیرامون ورود طب جدید به ایران پرداخته اند.

از کتاب هایی که راجع به آداب و رسوم و باورهای اجتماعی در دوره ی قاجار می باشند، هم چون *نیرنگستان اثر صادق هدایت، از خشت تا خشت اثر محمود کتیرایی و ...* نیز اطلاعات ارزشمندی می توان بدست آورد.

به طور کلی از تمام کتاب هایی که پیرامون اوضاع اجتماعی و آداب و رسوم و باورهای مردمی عصر قاجار نوشته شده اند اعم از کتاب های تاریخی یا ادبی، به خوبی می توان استفاده نمود. هم چنین مقالات متعددی که به زبان های فارسی و لاتین در این زمینه موجود هستند، بسیار مفید می باشند؛ این مقالات یا اینترنتی هستند و یا در مجلات متعدد چاپ شده اند.

۵-۱- روش تحقیق:

در نوشتن تحقیق حاضر، از روش کتابخانه ای و سند پژوهی استفاده خواهد شد. به این ترتیب که از کتاب های مختلف شامل منابع اصلی و منابع تحقیقی، هم چنین اسناد موجود و مقالات متعدد می توان استفاده کرد. بعد از مطالعه ی هر کتاب، بر اساس طرح مقدماتی تحقیق، فیش برداری صورت می گیرد؛ سپس فیش های تهیه شده را مطابق با طرح اولیه دسته بندی کرده و به جمع بندی مطالب گردآوری شده خواهیم پرداخت و بر اساس هر یک از موضوعات طرح تحقیق، فیش های مربوطه را در کنار هم آورده و به تحلیل و بررسی مطالب می پردازیم.

۶-۱- سؤالات تحقیق:

این تحقیق به دنبال پاسخ گویی به سؤالات زیر می باشد:

- ۱- وضعیت بهداشتی و درمانی جامعه در عصر ناصری و مظفری چگونه بود؟
- ۲- زمانی که طب جدید وارد ایران شد، چه واکنش هایی از جانب مردم نسبت به آن به وجود آمد؟
- ۳- دیدگاه افراد آگاه نسبت به طب جدید و بهداشت در جامعه چگونه بود؟
- ۴- جایگاه طب قدیم پس از رواج شیوه های نوین طبابت در جامعه چگونه بود؟

۷-۱- فرضیه تحقیق:

- ۱- وضعیت بهداشتی و درمانی جامعه در عصر ناصری و مظفری بسیار عقب مانده بود و شیوه ی غالب طبابت برای درمان بیماری ها در این زمان مبتنی بر طب سنتی بود.
- ۲- زمانی که طب جدید وارد ایران شد، بسیاری از مردم ، به شدت در مقابل آن ایستادگی کردند و تا مدت ها به دلیل عدم شناخت و یا ترس از روش های نوین طبابت، حاضر به پذیرش آن نبودند.
- ۳- با وجود واکنش مردم سنت گرا به طب جدید، بسیاری از افراد آگاه و اصلاح طلب بر این باور بودند که شیوه های نوین طبابت به منظور بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی جامعه بسیار سودمند می باشد؛ از این رو تلاش نمودند تا طب جدید را در جامعه گسترش دهند.
- ۴- با گذشت زمان مردم به طب جدید روی آوردند و با فواید روش های نوین طبابت در درمان بسیاری از بیماری ها آشنا گردیدند، اما این کنار آمدن مردم با طب جدید، به آن معنا نمی باشد که طب سنتی به فراموشی سپرده شد، بلکه در کنار طب جدید، طب سنتی نیز هم چنان در جامعه وجود داشت و جایگاه خود را در میان مردم حفظ نمود.

۸-۱ گفتارهای پایان نامه:

- این رساله در سه بخش تنظیم شده است :
- بخش اول شامل مقدمه و بررسی منابع می باشد.
- بخش دوم با نام « نگرشی بر وضعیت بهداشتی - درمانی جامعه در عصر ناصری و مظفری » می باشد که خود به سه فصل تقسیم می شود: فصل اول « وضعیت بهداشت عمومی »، فصل دوم « وضعیت طبابت و شیوه ی درمان بیماری ها » و فصل سوم « باورها و نگرش خرافی و مذهبی ایرانیان پیرامون بیماری ها و شیوه ی درمان آن ها ».
- بخش سوم رساله تحت عنوان « ورود طب جدید به ایران و واکنش های اجتماعی نسبت به آن » می باشد؛ این بخش نیز خود شامل پنج فصل می گردد: فصل اول « خدمات طب جدید به جامعه »، فصل دوم « نگرش مردم سنت گرا نسبت به طب جدید »، فصل سوم « دیدگاه افراد آگاه جامعه پیرامون طبابت نوین و بهداشت »، فصل چهارم « دیدگاه برخی روزنامه ها در مورد طب جدید و بهداشت » و فصل پنجم « سازگاری میان طب قدیم و طب جدید ».

فصل دوم

۲- نقد منابع

پیرامون تاریخ اجتماعی دوران قاجاریه، اطلاعات بسیار ارزشمندی موجود می باشد. این امر به دلیل وجود کتاب های متعددی است که یا در زمره ی منابع دست اول محسوب می شوند که در آن زمان توسط افرادی که خود در آن جامعه زندگی می کردند، نگاشته شده اند و یا در زمره ی منابع جدیدی می باشند که در دوران های بعد از عصر قاجار و بر اساس منابع دست اول موجود از آن زمان، نوشته شده اند.

با توجه به این که موضوع این رساله، یکی از مسائل مهم تاریخ اجتماعی دوران قاجاریه، در عصر ناصری و مظفری می باشد، از این رو، در همین راستا با منابع دست اول و همین طور کتاب های جدید بی شماری بر می خوریم که در این جا به نقد و بررسی آن ها می پردازیم.

۲-۱ منابع دست اول

منظور از منابع دست اول، کتاب هایی می باشد که در دوران قاجاریه و پیرامون مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، جغرافیایی و ... آن دوران نوشته شده اند. این منابع را می توان به چند دسته تقسیم نمود: سفرنامه ها، کتاب های خاطرات، منابع جغرافیایی، روزنامه ها، اسناد، کتاب هایی که پیرامون وقایع تاریخی دوران یک پادشاه نوشته شده اند، کتاب های داستانی - تخیلی و ... از جمله ی این منابع می باشند که همگی پیرامون موضوع مورد بررسی این رساله، حاوی اطلاعات ارزشمندی می باشند.

۱-۲- سفرنامه ها

سفرنامه ها را می توان به دو دسته تقسیم نمود:

دسته ی اول سفرنامه هایی هستند که توسط خارجیانی که در ایران به سر می بردند، نوشته شده اند. با توجه به این که، معمولاً بسیاری از افراد خارجی، از نزدیک شاهد اوضاع جامعه بودند، در نتیجه سفرنامه های آنان سرشار از اطلاعات ارزشمند پیرامون وضعیت اجتماعی مردم ایران و بسیاری مسائل دیگر می باشد. تعداد این سفرنامه ها بسیار فراوان است، از این رو در این جا به بررسی چند نمونه از مهم ترین آن ها پرداخته می شود.

سفرنامه پولاک: این کتاب نوشته دکتر ادوارد پولاک می باشد. وی از جمله افرادی بود که در قالب هیئت اتریشی و به منظور تدریس طب در مدرسه ی دارالفنون در دوران ناصرالدین شاه به ایران آمد و حاصل مشاهدات خود را در کتابی تحت عنوان *ایران و ایرانیان* یا *سفرنامه پولاک* تدوین نمود. نویسنده در این کتاب بیشتر مشاهدات اجتماعی خود را به قلم آورده و از جمله مسائلی که بسیار به آن پرداخته، موضوع طبابت از جمله طب سنتی و طب جدید در ایران و باورهای مردمی پیرامون آن و همین طور وضعیت بهداشتی جامعه می باشد.

سفرنامه مادام دیولافوا: مادام دیولافوا از جمله گردشگرانی بود که به همراه همسرش ژان دیولافوا، در دوران ناصری به ایران سفر نمود. وی مشاهدات خود را پیرامون وضعیت زندگی و اجتماعی مردم ایران در قالب کتابی با نام *سفرنامه ی دیولافوا* نوشت. در این کتاب علاوه بر سایر مسائل اجتماعی، به مسئله طبابت و همین طور وضعیت بهداشتی در جامعه توجه شده است.

سفرنامه فوریه: فوریه از جمله پزشکان خارجی بود که به مدت سه سال به سمت پزشک مخصوص ناصرالدین شاه منصوب گردید. وی حاصل مشاهدات خود را در کتابی تحت عنوان *سه سال در دربار ایران*، تدوین نمود. با توجه به این که فوریه خود یک پزشک بود، از این رو از جمله مسائلی که بسیار مورد توجه وی قرار گرفت، وضعیت پزشکی در ایران و باورهای مردمی به ویژه درباریان پیرامون پزشکی نوین و همین طور وضعیت بهداشت عمومی در شهرهای مختلف ایران بود.

سفرنامه کارلا سرنا: آدم ها و آیین ها در *ایران* عنوان کتابی است که توسط کارلا سرنا، زن جهانگردی که در دوران ناصری از ایران دیدن نمود، نوشته شده است. این کتاب در بر دارنده ی اطلاعات بسیار مفیدی پیرامون وضعیت طبابت و بهداشت عمومی و باورهای خرافی مردم آن زمان می باشد.

سفرنامه لیدی شیل: مری شیل از جمله زنان جهانگردی بود که در دوران ناصری به ایران سفر نمود و حاصل مشاهدات خود را به ویژه از وضعیت جامعه و مردم در کتاب *خاطرات لیدی شیل*،

گرد آورد. در این کتاب اطلاعات مفیدی پیرامون وضعیت بهداشت عمومی در ایران، می توان بدست آورد.

سفرنامه بنجامین : این کتاب حاصل مشاهدات ساموئل بنجامین نخستین سفیر امریکا در ایران، در دوران ناصری می باشد. در این کتاب اطلاعات مفیدی پیرامون وضعیت طبابت قدیم در ایران می توان بدست آورد.

سفرنامه ویلسن : چارلز جیمز ویلسن، از جمله پزشکانی بود که در دوران ناصری در ایران به سر می برد. وی حاصل مشاهدات خود را از وضعیت جامعه ایران، در کتابی با نام *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه* تدوین نمود. با توجه به این که نویسنده خود یک پزشک بوده است، از این رو این کتاب در مورد وضعیت طبابت قدیم در ایران و باورهای مردمی پیرامون آن و همین طور دیدگاه مردم در مورد طب جدید، اطلاعات خوبی دارد.

سفرنامه ادوارد براون: کتاب *یک سال در میان ایرانیان*، حاصل مشاهدات ادوارد براون در طول یک سال اقامتش در ایران در دوران ناصری (۱۸۸۷ م) می باشد. این کتاب دربر دارنده ی اطلاعات مفیدی پیرامون وضعیت اجتماعی ایران از جمله وضعیت طبابت است.

سفرنامه کلارا رایس: رایس از جمله زنان گردشگری بود که در اواخر دروان قاجار به ایران سفر نمود. آن چه که به ویژه نظر وی را به خود جلب کرد، وضعیت زندگی زنان ایرانی بود. از این رو حاصل مشاهدات خود را در این زمینه، در کتابی به نام *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان* تدوین نمود. در این کتاب از جمله مسائلی که بسیار مورد توجه قرار گرفته، وضعیت بهداشتی زنان و کودکان و همین طور باورهای خرافی و موهوم رایج در میان زنان ایرانی می باشد.

سفرنامه بروگش: هنریش بروگش در دوران ناصرالدین شاه به ایران سفر نمود و شرح مشاهدات خود را در کتابی تحت عنوان *سفری به دربار سلطان صاحبقران* نوشت. در این کتاب، می توان اطلاعات ارزشمندی را پیرامون وضعیت بهداشت عمومی در ایران از جمله بیماری های شایع در کشور و همین طور وضعیت طبابت بدست آورد.

از دیگر سفرنامه هایی که در دوران مورد بررسی و حتی قبل یا بعد از آن توسط خارجیان نوشته شده اند و پیرامون موضوع این رساله، دربر دارنده ی اطلاعات مفیدی می باشند، می توان از کتاب های *سفرنامه الیویه* مربوط به دوران فتحعلی شاه، *سفرنامه اورسل*، کتاب *سه سال در ایران* نوشته دو گوپینو هر دو مربوط به دوران ناصری، *سفرنامه فلانندن* مربوط به دوران محمد شاه، *سفرنامه جکسن* یا *ایران در گذشته و حال* دوران مظفری، *سفرنامه دروویل* نوشته گاسپار دروویل دوران فتحعلی شاه، *سفرنامه راولینسون* نوشته سرهنری راولینسون، کتاب *ایران و مسئله ایران* نوشته لرد